

## دریای کاسپین

حمیت و غیرت مردم انزلی

عزیز طویلی مورخ پژوهشگر  
بخش پایانی



وی  
ر  
ا  
بحضور  
حاکم  
گیلان  
تقدیم  
داشت:

- تعداد کشتی های حمل و نقل که شباهتی به کشتی های تجارتي نداشت ۱۵ فروند - کشتی های جنگی با توپ های بزرگ ۳ فروند و کشتی های کوچک ۲۴ فروند که بنظر می رسید مخصوص پیاده کردن توپ و اسب و نفرات می باشد . ساعت سه بعدازظهر بود که مشهدي رجب، معروف به « تیزگام، خود را به حضور میرزاموسی خان حاکم گیلان رسانید در حالی که عرق از سر و گوش می ریخت، نامه « بزرگ خان » حاکم انزلی را تقدیم داشت . که حاکم گیلان با مطالعه آن خنده بلندی کرد که همه حضار متعجب شدند و حاکم نامه رسیده را چنین خواند:

( ساعت هشت صبح نشده بود که بیش از پنجاه قایق تقریباً بزرگ مخصوص حمل نفرات که هر یک حامل ۱۵ تا ۲۰ سرباز مسلح بوده از کشتی ها پیاده و قصد داشتند در ساحل انزلی پیاده شوند که هنوز نیمی از راه را طی نکرده بودند که ناگهان متوقف شده به سوی کشتی ها عقب نشستند ... زیرا قایقی سبک تر از آن ها، به فاصله شاید ۲۰۰ متر جلوتر، جلوتر از بقیه حرکت می کرد و چند نفر صاحب منصب که با دروین یک چشم نگاه می کردند، که یکباره چندین هزار تفنگ دار در میان سنگر روی تپه های شنی مشاهده و ده ها لوله تفنگ و توپ را در ساحل انزلی و غازیان بخوبی می دیدند که بلافاصله با وحشت عقب نشینی کردند . « که باعث تعجب حاکم و فرماندهان گیلان هم

باید از تاریخ درس عبرت بگیریم که تاریخ آئینه تمام نمای گذشته و حال ماست ... با مشاهده ورود کشتی های بیگانه، مراتب را به خدمت میرزا موسی خان، حاکم گیلان اطلاع دادم . و حالیه باید هرچه توپ قدیمی و شکسته داریم تعمیر کنیم و باید پول فراهم کنیم تا به خرید وسایل جنگی پردازیم - کشتی ها، تا غروب باید بارهای خود را تخلیه و یا بارگیری کرده و بندرانزلی را ترک نمایند - امشب باید هرچه کشتی از کار افتاده وجود دارد در دهانه انزلی به آب انداخته شود تا ورود هر گونه کشتی خارجی را بگیرد - جوانان باید تعلیمات نظامی سریعی دیده با چشم و گوش باز آماده جنگ شوند - هر دو نفر و سه نفر، در کنار همدیگر، نگهبانی بدهند - در روی تپه های ساحلی اقدامات وسیعی انجام گرفت و در حال انجام شدن بودند - هر تعداد گمج و نوخون، که موجود بود به حکومتی آورده شد ولی همه از این خواسته تعجب می کردند.

حاکم گیلان که تازه به خوردن ناهار پرداخته بود که پیک حکومتی وارد شد و با میرزاموسی خان، حاکم گیلان جلسه ای تشکیل داده ورود کشتی های زیادی را مشروحاً بیان داشت، و پس از دستورات لازم سریعاً بسوی انزلی حرکت کرد . حاکم گیلان که مردی مدیر و مدبر و با تجربه بود با دوراندیشی، با دستوراتی را که برای حاکم انزلی بود، به انزلی رفت . حاکم انزلی، هم چنان به تقویت کارها پرداخت و در روز دوم مشهدي رجب، پیک مخصوص حاکم انزلی به رشت رسیده و نامه

پس از سخنان ژنرال پیر، که بسیار ارزنده و جالب بود، همگان را وادار به فکر کردن نمود و آنگاه ژنرال « شفت » با کسب اجازه و این که ژنرال « ستی تسیانف » فرمانده خود چنین می گوید:

« اعلیحضرتا، فرمایشات ژنرال پیر، مرانیز، منقلب کرده است چنانچه اجازه بفرمائید چون قوای ایران، متمرکز در سرتاسر جبهه می باشد، ما براحتی می توانیم قوای نظامی خود را، بناگهان از طریق انزلی و رشت و تهران در سراسر، ایران خصوصاً جنوب ایران را تحت تسلط روسیه در آوریم و از سروصدای حملات به آذربایجان و سایر نفاط، راحت شویم ... »

بالاخره تصمیم گرفته شد که ژنرال « شفت » آماده شود تا ۶ ماه دیگر نقشه خود را بموقع اجرا در آورد، از این رو دوازده هزار نفر از شوروترین سربازان و نفرات ارتش را انتخاب و تحت تعلیم قرار داد تا بموقع حملات خود را از طریق انزلی - رشت - تهران آغاز کند و در قسمت جنوب ایران به خلیج فارس برساند.

در هر صورت ژنرال شفت، در اوایل خرداد ماه ۱۱۸۴ شمسی و اواسط سال ۱۸۰۵ میلادی بسوی انزلی حرکت کردند، و ناگهان فریادی از گلوئ نگهبان یکی از برج های مشرف به دریا، برخاست و تا آنجا که ممکن بود گفت:

- فوراً « به حاکم انزلی برسانید که تعداد زیادی از کشتی های جنگی، بسوی انزلی در حرکت می باشند » بزرگ خان، بدون معطلی، خود را به تماشای کشتی های روسی رسانید و با یوزباشی حیدرخان، تماس گرفت و به بررسی مسائل نظامی پرداخت و معلوم گردید، که چهارصد نفر قوای نظامی به رشت اعزام داشتند و فعلاً صد نفر با یک عراده توپ در اینجا مانده است ...

بزرگ خان، در صحبت هائی که برای بزرگان شهر انجام داد، جریان را گفت که:

گردید

غافل از این که اینهمه قشون که پیشاهنگان قشون ملاحظه نمودند، آدمک هائی بودند که گمچ و نخون، بالای سرشان قرار داشتند و تکه چوبی مانند تفنگ در کنارشان بود که دشمنان را بخوبی فریب دادند و شاید چند روز طول بکشد تا بدانند، ما چه کردیم

**حاکم گیلان و حضار در مات و مبهوت بودند که حاکم گفت:**

- آفرین، صد آفرین به این هوش و ذکاوت انزلی چی ها، وقتی گروهی مصمم، مقابل یک دولت قدرتمند ولی متجاوز قرار می گیرد و توان مقابله با او را به علت برتری نظامی و تسلیحاتش ندارد ناچار است به حيله و نیرنگ جنگی دست ببرند.

... بیش از ده هزار نفر قشون پیاده نظام و سواره، در کشتی ها مستقر هستند و احتمالاً صدها رأس اسب و قاطر هم برای همراهی توپخانه های سبک و سنگین در اختیار دارند ما به سرعت در حال تخلیه شهر هستیم و خصوصاً شب تا صبح، مردم را از شهر خارج مینماییم، ما هم اکنون ترتیبی داده ایم که پای هیچ بیگانه ای به رشت نرسد، در حال حاضر ۲ عراده توپ بزرگ و ۵ توپ سبک داریم و چهار توپ در غازیان گذارده ایم، و طوری قرار دادیم که به محض نزدیک شدن کشتی های دشمن، آنان را زیر آتش بگیریم البته قبل از پیاده شدن به خشکی و از طرفی آب بازان، در انزلی آماده شده اند به زیر آب رفته و کشتی ها را سوراخ کرده و به داخل دریا روانه نمائیم)

این نامه بطور خلاصه خوانده شد که ما در بالا آورده ایم، ولی فرماندهان نظامی و بزرگان شهر که حضور داشتند اشک دیدگان فشانند، بطوری که حاکم گیلان، چنین می گفت:

- ملاحظه فرمودید که بزرگ خان - این گیل مرد دلاور و با تدبیر، تکلیف همه را روشن کرده، لیاقت و شایستگی و میهن دوستی این مرد نشان از اجداد گیل او دارد ... و این مرد از نسل مردمی، می باشد که کمر امپراتوری مغول را در سال ۷۰۶ هجری قمری شکستند و امروز این مرد دلاور تصمیم گرفته تا کمر امپراتوری روسیه را بشکند ... حاکم گیلان جواب نامه حاکم انزلی را داد و آنرا وسیله پیک مخصوص، به سرعت به انزلی فرستاد ...

بالاخره، پيله ملا، با پوشیدن کفن و با پای برهنه به میان مردم رفت، مردم خصوصاً جوانان، مغازه های خود راها کرده و هر چه داشتند تقدیم حاکم گیلان نمودند. خصوصاً زنان شیردل گیلان طلاجات خود را از گردن و دست های خود باز کرده و تقدیم داشتند. ده ها اسلحه ساز در محلات گیلان به ساختن اسلحه پرداختند - خصوصاً تفنگ سازان « سیاه مرگی شفت » سرپرستی دیگر تفنگ سازان را برعهده گرفتند. کوره های ذوب فلزات ماسوله با ظرفیت کامل بکار پرداختند - آنان که آمادگی داشتند جهت تعلیمات لازم به محل هائی که انتخاب شده بودند، رفتند ...

ساعت ۶ صبح روز نهم، شپیور آماده باش نواخته شد و قوای ۱۲۰۰۰ نفری، در سواحل انزلی و غازیان، پیاده شدند . و قرار شد ۱۰۰۰ نفر به سمت دروازه رشت - ۲۰۰۰ نفر به منظور خمام - چوکام پیربازار و رشت ۳۰۰۰ سپاهی مرکب از ۵۰۰۰ نفر به منظور پشتیبانی از نفرات فوق، نرسیده به خمام ۴۰۰۰ نفر در انزلی مستقر می شوند، این قوا دارای توپخانه های عظیم و کوتاه برد می باشند در هر صورت ۱۱۰۰۰ نفر، غرق در آهن و پولاد، خود را آماده حرکت نمودند . که قدرت و جنگیدن یک نیروی بیش از یکصد هزار نفر را داشته اند .

روز دوازدهم، بود که قشون روسیه، برای استراحت خوابیده بودند، ولی مگر پشه های انبوه در جنگل ها می گذاشتند که بخوابند، ولی در ساعت ۵:۳۰ صبح بود که یکباره صدای « الله اکبر » از هر سوئی بلند شد و صدا، آن چنان بود که از لابلای درختان آنچه بود انعکاس صدای بلند بود که قوای روسیه را شاید تازه از پشه ها، دمی خوابیده بودند، از خواب پراند و بیش از همه ژنرال « شفت » هراسان، از خواب ناز پریده، بهر طرف نگاه می کرد، و سه بار « الله اکبر » را شنید و یک باره مثل این که زمین و زمان را به لرزه در آورده بود تا آمد فکر بکند، که صدای انفجارات متعدد در تمام ستوه شنیده شده بود .

ژنرال « شفت » بنظرش رسید کارش تمام شده زیرا هرگز چنین وضعی را پیش بینی نمی کرد، در داخل چادری خوابیده بود وقتی هراسان از خواب بیدار شد، چند نفر از نزدیکانش در دم جان سپرده بودند. صاحب منصبانش که سالها با او کار می کردند، این

چنین او را پریشان حال ندیده بودند وقتی « شفت » اسب خود را خواست تا سوار شود، به او اطلاع دادند، همه اسبانش خصوصاً اسب سفید و مخصوص او را برده بودند که با خود گفت: « کجای کارم اشتباه بوده است؟ »

اسب دیگری سوار شد و با تعدادی از همراهانش، به قوای خود سرکشید، ولی هر جا می رفت با انفجارها و غم از دست دادن صدها پرسنل خود که جنگ نکرده از بین رفتند . آنگاه به میرزاموسی، بد و بیراه و بد دهنی کرد، غافل از این که اونیز برای نجات مردمش از چنگ دشمنی خوانخواهر در تلاش است، ژنرال « شفت » مغرور - متکبر - خودخواه - جاه طلب بود. چنانچه با دوازده هزار سربازان قسی القلب که از میان ده ها هزار نفر قشون روسیه تزاری دست چین کرده بود، می خواست تا سواحل خلیج فارس بتازد ولی در اول، امیران در گرداب عظیم گرفتار آمده، هر جا چشم می انداخت از کشته های قشونش می دید، صدها بشکه باروت - صدها توپ خانه سبک و سنگین، همه را بردند .

او دانست، اگرچه بدنش از ضربات تکه های سنگ ها و آهن های، انفجارات مجروح شده بود ولی طبق دستور او را نکشتند و خواستند، به سلامت وارد کشتی ها شده به سوی امپراتور، خود برود. همه آلات و ادوات جنگی او تارو مار شده و مردم گیلان تا پای جان فداکاری کردند و این قشون بیرحم را خیلی زود و ظرف چند ساعت با شکست کامل روبرو ساختند . او ناچار دستور تخلیه داد که بیش از دو هزار نفر کشته داد و صدها بلکه چند هزار زخمی روی دستش ماند . و ... مردم « فشتکه صالح » نیز فداکاری بیشماری نمودند .

دو کشتی بزرگ آن ها را که اموال انزلی چی هارا زدیده و می بردند، سوراخ کردند و هر دو کشتی غرق شدند علاوه بر این تعداد زیادی از سالدات های بیرحم را در انزلی کشتند، و ...

ژنرال « شفت » وقتی که انزلی را ترک می کرد، هنوز تقریباً بیست متر از اسکله دور نشده بود که دید حاکم انزلی، همراه صدها نفر در اسکله، تفنگ بدست آن ها را نگاه می کنند، ایستاده اند ...)

این صفحه برداشتی است از دلوری های مردم گیلان در کتابی بنام « جنگ جویان پيله دارین » نوشته نگارنده که مطالعه این

واقعه تاریخی را پیشنهاد می شود.

« مشخصات جغرافیائی دریای کاسپین »

( دورترین نقطه شمالی این دریا در ۴۷ درجه و ۷ دقیقه عرض شمالی، آخرین نقطه جنوبی در ۳۶ درجه و ۳۳ دقیقه عرض شمالی، آخرین نقطه باختری در ۴۶ و ۴۳ دقیقه طول خاوری، آخرین نقطه در ۵۴ درجه و ۵۰ دقیقه طول خاوری) ۷۱

آقای دکتر علی درویش زاد استاد دانشکده علوم در یک بحث تحقیقی و همه جانبه می نویسد:

( دریاچه خزر « کاسپین - ن » بزرگ ترین دریاچه دنیاست و به همین دلیل آنرا، دریای خزر - دریای مازندران و دریای کاسپین « نیز می نامند . طول دریاچه در حدود ۱۲۰۴ کیلومتر و عرض متوسط آن ۲۰۴ کیلومتر و مساحتش در حدود ۴۳۶۰۰۰ کیلومتر مربع است، حجم آب آن معادل ۷۷۰۰۰ کیلومتر مکعب، عمق متوسط آن ۱۸۰ متر است . دریای خزر « کاسپین » را می توان به سه بخش شمالی، میانی، جنوبی تقسیم کرد، عمق آب در این سه بخش متفاوت است، و از شمال به جنوب افزایش می یابد، در واقع دریاچه خزر مانند « وان » آبی است که در سمت شمال به بالا کشیده شده و در سمت چپ به گودی نشسته باشد به نحوی که:

بخش شمالی / عمق متوسط ۶/۲ متر / حداکثر عمق ۸۰ متر  
بخش میانی / عمق متوسط ۱۷۵/۶ متر / حداکثر عمق ۷۰۰ متر  
بخش جنوبی / عمق متوسط ۳۲۵ متر / حداکثر عمق ۱۰۰۰ متر  
دو بخش میانی و جنوبی بوسیله برجستگی زیر آبی و با امتداد شمال غربی، جنوب شرقی از هم تفکیک می شود، این برجستگی ادامه رشته ارتفاعات قفقاز است و عمق آب روی آن از ۲۰۰ متر تجاوز نمی کند .

دریای خزر « کاسپین » علاوه بر آنکه از نظر جغرافیائی دریاچه محسوب می شود، از نظر ترکیب آب نیز یک دریاچه واقعی است، زیرا نمک های محلول در آن از نظر ترکیب و نسبت به درصد املاح، با آب اقیانوس ها، اختلاف دارد چنانکه:

« مقدار املاح معمول در آب دریاچه خزر « کاسپین » در حدود ۱۲/۶۴ تا ۱۲/۶۸ گرم در لیتر، است در حالی که نمک های محلول در آب اقیانوس ها، ۳۵ گرم در لیتر می باشد .

آب این دریاچه در مقایسه با آب اقیانوس ها، دارای « کلرید سدیم » بسیار کمتر ولی « یون کلسیم و سولفات » بسیار زیاده است و از این جهت به دریاچه های آب شیرین شباهت دارد ...

همان طوری که در بالا ذکر شد، خزر « کاسپین » جنوبی نامیده می شود مشرف به شمال ایران است گودی زیادی داشته بنام گودال خزر « کاسپین » جنوبی نامیده می شود، هر گاه ۲۵ کیلومتر از ساحل انزلی به وسط دریای خزر پیش رویم عمق آب به ۵۰۰ متر می رسد یعنی به گودال خزر « کاسپین » جنوبی نزدیک شده ایم )

آقای دکتر علی بهزاد استاد رشته ی زمین شناسی می نویسد:  
( سطح دریای خزر « کاسپین » در زمان یخبندان که ذوب یخها و بالا آمدن سطح آب آن موجب برقراری ارتباط آن با دریای سیاه، می شده حداقل ده متر بالاتر از سطح آن بوده است و ارتباط بین دو دریا از طریق دوره « ماینچ » برقرار می شده است

با بررسی هائی که انجام شده براساس محاسبات تاریخ آخرین جداشدن دریای خزر « کاسپین » از دریای آزاد به ۱۱۰۰۰ سال قبل برآورد شده است و زمانی که دریای خزر « کاسپین » با دریای آزاد

ارتباط داشته، حداقل ۵۵ متر سطح آن بالاتر بوده و وسعت زیاد آن « قره بغاز » را بطور کلی می پوشانده است.

در مکاتبه ای با رئیس انستیتوی زمین شناسی مسکو، به عمل آمد معلوم شده دریای خزر « کاسپین » در دوره « پلیوسین » بصورت دریاچه آب شیرین بوده و املاح وارده بوسیله رودخانه ها به تدریج موجب شوری آن گشته است) ۷۲

آقای دکتر علی درویش زاد، در ادامه نامه مفصل خود می نویسد:  
( مطالعه ساختمان زمین شناسی بخش جنوبی خزر « کاسپین » به کمک امواج زلزله، مؤید این نکته است که کف گودال خزر « کاسپین » فاقد لایه « گرانیتی » بوده « بربریان ۱۹۸۳ میلادی » و در عوض از مواردی سنگین وزن با چگالی ۳/۳ - ۳ ساخته شده است، به همین دلیل محققین زیادی آن را پوسته اقیانوسی و از جنس « بازالت » می دانند ولی این ضخامت در حدود ۲۰-۱۵ کیلومتر است « که از ضخامت معمولی پیوسته های اقیانوسی دنیا بیشتر است .... »  
« آنچه که باید بگوییم »

ناچارم، برای روشن شدن هموطنان گرامی، خصوصاً دلاوران، گیلانی، باید بگویم، در سال ۱۳۷۳ شمسی، روی کلمه «خزر» به فکر فرو رفتم، و بدنبالش رفتم و دانستم کتابی بنام « خزران » چاپ شده است به مطالعه آن پرداختم .

ولی مشاهده نمودم، تنها این کتاب نبود، که مرا، از وقایع پشت پرده روشن نموده، واقعیت را برابرم برملا، کرده است . از این رو تلاش کردم بیش از پیش به اصل واقعه بپردازم، از این رو پس از تحقیق و مطالعه به پی بردن اصل جریان گام برداشتم .

از آن زمان، دانستم که (خزر) کلمه ایست که از قوم «خزر» بر مردم ایران بالاجبار، حاکم شده است، در حالی که این دریا را در همه کشورها، بنام « دریای کاسپین » می نویسند، ولی در ایران و در همه نقشجات بنام خزر، معروف می باشد. در کتاب های تاریخی و خارجی در کنار دریای خزر، از نام «کاسپین» بسیار کم و ناچیز استفاده می نمایند .

چرا، برای این دریا، نام «کاسپین» را انتخاب کرده ام و به چه علت از نام « خزر » اینهمه ناراحت هستم، از این رو، پژوهش خود را با نام « کاسپین » شروع کرده ام، که بشرح زیر، برای روشن شدن هموطنان عزیزم، بدان اشاره می نمایم.

شاید، وقتی به اسامی متعدد دریای خزر «کاسپین» نگاه می کنیم، بخوبی ملاحظه خواهیم کرد که در تنها نقاط دنیا خصوصاً ایران محلی با این همه نام های مختلف، برپا شده است، تازه امکان دارد، هنوز بسیاری نام های دیگر را بدست نیاورده باشیم که به آن ها اضافه نمائیم:

اکنون، اسامی متعدد، این دریا، بشرح زیر می باشد.

۱-در «اوستا» نام این دریا «وروکش» به معنی «فراخ کش» یا در بیان دیگر «فراخ کرت» یا «فراخ کنار» که چندین هزار سال پیش، با آریائی ها، ارتباط داشته که در این سرزمین می زیستند...

۲-کاسپیوم ماره: دریای کاس پی ها

۳-هورکانیوم ماره: دریای هیرکانی = گرگان

۴-آلبانوم ماره: دریای آلبانیا= آذربایجان

۵-سکوتیکوم ماره: دریای سکوت ها = سیت ها = سکاها

۶-خوالین کیم مور: دریای خوارزم «در منابع روسی قدیم»

۷-در منابع چینی «عهد مسیح «ع»: سی، هائی

خزر، بر سی قوم و ملت حکومت کردند، و در اوج اقتدار، نام خود را بر این دریا، نهادند « در این جاست که بنظر می رسد. که کلمه « کاسپین » تنها نام و نشان، دریای خزر، می باشد که اولاً قدمتش، از بسیاری جهات پیش تر بوده و از طرفی کلمه ایست که بر کلیه نقشه های جهانی، از قدیمی ترین، تاکنون به ثبت رسیده و بنظر می رسد این کلمه « کاسپین » بخاطر داشتن حرف « پ » وسیله عرب ها، که آن زمان بر قسمتی از ایران حکومت داشتند، برداشت شده است. البته « اوستا » که یکی از قدیمی ترین نوشته و سند جهانی است، درباره گیلان سخن های زیادی داشته است که در صفحات قبلی گفته شد.

#### سخن نویسنده

تا آنجا که مقدور بوده، بطور بسیار خلاصه، درباره « کاسپین » گفتم و نوشتم و بسیار خوشحالم که هم اکنون از کلمه « کاسپین » همه دارند استفاده می کنند، و امید است، تا مقداری کمی که از عمرم باقی است بتوانم به این آرزویم برسیم.

که دریای خزر، زمانی تا قزوین امتداد، داشته، در صورتی که طبق نوشته آقای سیدعلی گل ریز در تاریخ مفصل قزوین آمده است که:

« نام قزوین، ابتدا « کشوین » بوده و آن نیز بدان جهت که اردشیر دوم، در سال ۳۵۰ قبل از میلاد و فرهاد اول اشکانی در سال ۱۸۱ قبل از میلاد « دژی » در مدخل کوهستانی شمال قزوین، که به برج دیده بانی بوده ساخته و قلعه بزرگ تری نیز، جهت استواری سپاهیان، در محل کنونی قزوین احداث، که اولی را، « دژبالا » و دومی را « دژبایین » نامیدند و به مرور ایام تحریف شده و به « دژبین » و « کژوین » و در زمان شاپور ذوالاکتاب، به قزوین معروف گردیده است ... »

در حالی که « کاسپین » نام یکی از اقوام اولیه جنوب غربی، دریای خزر « کاسپین » می باشد که صدها سال قبل از احداث قلعه، در قزوین وجود داشته است و نام خود را بر این دریا، نهادند. «

#### نام خزر:

« هم چنین « خزر » نام قومی است ترک، که از آسیای مرکزی در سده های ۷ و ۸ میلادی به اطراف دریای خزر، مهاجرت و حکومت این قوم در سده، یازدهم میلادی وسیله روس ها، منقرض شده اند که قوم

۸. دریای « کاسپین » « که در کلیه نقشجات، قدیمی دنیا برقرار است، به جز در ایران که روی نقشه ها مورد استفاده بنام « خزر » می باشد «

۹. دریای دیلم یا دیلمان ۱۰. دریای گیلان  
۱۱. دریای خزر ۱۲. دریای مازندران ۱۳. دریای طبرستان ۱۴. دریای استرآباد ۱۵. دریای خراسان ۱۶. دریای آبسکون ۱۷. دریای قزوین  
۱۸. دریای گرگان ۱۹. دریا قلمز ۲۰. دریای حاجی طرخان ۲۱. دریای باب الابواب ۲۲. دریای دربند ۲۳. دریای شیروان ۲۴. دریای مغان ۲۵. دریای جرجیان ۲۶. دریای دهستان ۲۷. دریای باکو ۲۸. دریای طیلستان یا طالشان ۲۹. دریای ارقانیا ۳۰. هیرکانیه ۳۱. در بندهش: دریای ورکان یا ورگا ۳۲. مسعودی آن را: بحرالاعاجمش خوانده ۳۳. به زبان پهلوی: کمروود ۳۴. در جای دیگر: بحیره ۳۵. دریا کلیوشالان ۳۶. زره اوچستان ۳۷. دریای ساکازیه ۳۸. دریای ارس ۳۹. دریای ساری ۴۰. دریای اران ۴۱. دریای الپانیا ۴۲. دریای گسکر ۴۳. دریای کپورچال ۴۴. تنگیز یا « ونیز = آق دنیز » ۴۵. دریای جئورچیا ۴۶. دریای ورگان  
لازم به ذکر است که:

- بسیاری خیال می کنند که کلمه « کاسپین » برگرفته شده از واژه « قزوین » است

#### منابع:

- ۱- برداشت از صفحه ۱۵ کتاب خزران/ ۲- برداشت از صفحات ۶۶ جلد اول مشرق قدیم ( ایران باستان ) / ۳- صفحه ۲۰ جلد اول تاریخ مشرق قدیم ( ایران باستان ) / ۴- صفحه ۱۸۶ نوسانات آب دریای ( کاسپین ) خزر / ۵- صفحه ۶/۲۹- نشانی هائی از گذشته گیلان و مازندران / ۷- برداشت از صفحه ۱۸ تا ۲۳ نشانی هائی از گذشته گیلان و مازندران / ۸- برداشت از صفحه ۲۲۶ چهار سو و نگرش کوتاه تر تاریخ و جغرافیای تاریخی / ۹- صفحه ۲۰۰ جلد اول تاریخ مشرق قدیم / ۱۰- صفحه جلد اول تاریخ مشرق قدیم / ۱۱- صفحه ۱۰۶ نشانه هائی از گذشتگان گیلان و مازندران / ۱۲- صفحه ۱ مقدمه تاریخ گیلان « عباس کدیور » / ۱۳- نشانی هائی از گذشته گیلان و مازندران / ۱۴- صفحه ۱۵/۱۱۲۸. صفحه ۱۲۰ ایران باستان / ۱۶- صفحه میراث باستانی ایران / ۱۷- صفحه ۱۹ / ۱۸- صفحه ۲۲ گیلان در گذرگاه زمان / ۱۹- صفحه ۲۰۰ / ۲۰- صفحه ۲۱۷ ایران باستان / ۲۱- صفحه ۱۲۱ مجله بررسی های تاریخی شماره مخصوص ۱۳۵۰ شمسی / ۲۲- صفحه ۱۰۶ نشانی هائی از گذشته / ۲۴- صفحه ۱۵۴ نشانی از گذشته گیلان و مازندران / ۲۵- برداشت از صفحه ۴۶ تا ۶۲ نشانی هائی از گیلان و مازندران / ۲۶- صفحه ۱۰۷ تا ۱۱۰ نشانی هائی از گذشته گیلان و مازندران / ۲۷- برداشت از صفحه ۶۸ تا ۷۹ نشانی هائی از گذشته گیلان و مازندران / ۲۸- مجله ارتش شماره ۱۱ سال ۱۳۴۱ / ۲۹- مجله ارتش شماره ۱۲ سال ۱۳۴۱ / ۳۰- برداشت از صفحه ۷۹ تا ۹۲ نشانی هائی از گذشته گیلان و مازندران / ۳۱- برداشت از صفحه ۷۹ تا ۹۲ نشانی هائی از گذشته گیلان و مازندران / ۳۲- گیلان زمین « قدیر بیسه بان » / ۳۳- صفحه ۳۸ تا ۴۱ بدنبال روشنائی / ۳۴- صفحه ۲۸ تا ۳۸ بدنبال روشنائی / ۳۵- برداشت از دوره پیش از تاریخ در جنوب غربی ایران - لرستان / ۳۶- صفحه ۷۶ تا ۷۸ بدنبال روشنائی / ۳۷- صفحه ۴۴ بدنبال روشنائی / ۳۸- صفحه ۵۸ بدنبال روشنائی / ۳۹- صفحه ۷۹ بدنبال روشنائی / ۴۰- موارد فوق برداشت از صفحه ۸۶ بدنبال روشنائی / ۴۱- برداشت از صفحه ۶۷ کتاب بدنبال روشنائی / ۴۲- ولایات دارالمرز ایران - گیلان / ۴۳- گیلان در گذرگاه زمان / ۴۴- صفحه ۲۶۰ کتاب نهم ایران باستان / ۴۵- برداشت از صفحه ۱۵۷ کتاب اول ایران باستان / ۴۶- نشانی هائی از گذشته گیلان و مازندران / ۴۷- نشانی هائی از گذشته گیلان و مازندران / ۴۸- صفحه مقدمه تاریخ گیلان - عباس کدیور / ۴۹- صفحه ۲۳ تاریخ گیلان ( عبدالفتاح فومنی ) / ۵۰- صفحه ۱۳۰ میراث باستانی ایران / ۵۱- صفحه ۱۳۳۳ ایران باستان / ۵۲- صفحه ۱۲۱ بررسی های تاریخی شماره مخصوص مهر ۱۳۵۰ شمسی / ۵۳- صفحه ۱۱۲۸ ایران باستان / ۵۴- صفحه ۱۲۱ بررسی های تاریخی شماره مخصوص مهر ۱۳۵۰ شمسی / ۵۵- صفحه ۲۲۷ شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان / ۵۶- صفحه ۴۲۵ ولایات دارالمرز ایران - گیلان / ۵۷- صفحه ۲۱۲ گیلان در گذرگاه زمان / ۵۸- صفحه ۱۸۲ تا ۱۹۳ نشانی هائی از گذشته گیلان و مازندران / ۵۹- صفحه ۲۱۳ گیلان در گذرگاه زمان / ۶۰- برداشت از کتاب گیلان « عباس کدیور » / ۶۱- صفحه ۲۱۶ گیلان در گذرگاه زمان / ۶۲- برداشت از صفحات ۳۱۱ تا ۳۱۳ تاریخ مغول / ۶۳- برداشت از صفحه ۲۱۸ گیلان در گذرگاه زمان و صفحه ۴۱۶ ولایات دارالمرز ایران - گیلان / ۶۴- صفحه ۱۶۴ نم تمپور جهانگشای / ۶۵- صفحه ۲۴۹ دون ژوئن ایرانی / ۶۶- صفحه ۵۳۰ ولایات دارالمرز ایران - گیلان / ۶۷- برداشت از صفحه ۲۳۰ تا ۲۳۲ گیلان در گذرگاه تاریخ / ۶۸- صفحه ۵۳۳ ولایات دارالمرز ایران - گیلان / ۶۹- صفحه ۵۳۳ ولایات دارالمرز ایران - گیلان / ۷۰- برداشت از صفحه ۲۰۲ دولت نادر شاه افشار / ۷۱- صفحه ۲۲ شناخت دریای مازندران / ۷۲- مجله دانشمند شماره ۱۳۸